

(هشت مارچ) را با برافراشتن درفش فمینیسم پرولتری گرامی دارید!

همانگونه که گراف کشت و قاچاق مواد مخدر پس از تجاوز اشغالگران امریکایی-شرکا بر افغانستان چندین برابر شد، خشونت علیه زنان نیز طی بیش از سیزده سال اخیر سیر صعودی پیموده است. اینهمه در حالی است که اشغالگران و رژیم پوشالی دست نشانده ء شان با دروغ بافی های تمام، لاف از مبارزه در راستای احقاق حقوق زنان میزنند. این لاف ها، فقط پرده ء ساتری است بر جنایاتی که اشغالگران و رژیم پوشالی مرتکب شده اند. اشغالگران از هیچ نوع خشونتی بر زنان افغانستان مستعمره دریغ نداشته اند! رژیم پوشالی نیز به کام بادرانش جز به بند کشیدن زنان کشور و جز کالایی ساختن جنس زن، "دست آوردی" نداشته است. اگر "هنرمندانی" هرزه از قماش مژده جمال زاده بر ستیژ ننگ در کاخ سفید در مقابل چشمان جنایت بار بارک اوباما پاکوبی و دست افشانی میکنند و می خوانند، تعبیر آن را در "حبس خانگی" داکتر زینت کرزی (خانم شاه شجاع سوم) از سوی شوهرش می یابیم! واگرشاه شجاع چهارم همسر مسیحی- لبنانی اش را "مدافع" حقوق زن در افغانستان وانمود میکند تعبیر آن را در این اقرار جانانه از سوی ثریا صبح رنگ کمیشنر به اصطلاح حقوق بشر بخوانید:

" تنها در هفت ماه سال 1393 سه هزار هفده مورد خشونت علیه زنان ثبت این کمسیون شده است:" (سایت دوستی امریکا و افغانستان, 1393)

شاه شجاع چهارم به خاطر فریفتن اذهان، نخستین کاری که کرد تغییر اسم خانم (رولا) به بی بی گل بود. با این فکر خام خود انگاشت که میتواند خانمش را "افغانی" یا "مسلمان" جلوه دهد. جالب این است که حتی "کارشناسان" مشاطه گر رژیم و فعالین رسانه های وابسته نیز این اقدام اشرف غنی را حمل بر سلب هویت رولا از سوی اشرف غنی و برخاسته از دیدگاه های قهقرایی و قبیله گرایانه اش کردند. واضح است که اشرف غنی مزدور امپریالیسم جهانخوار است. استفاده ابزاری اش از قبیله گرایایی نیز در پیوند با تامین منافع ارباب از سوی وی است.

شاه شجاع چهارم از همان آوان جلوس بر اریکه ننگین شاه شجاعی ادعا نموده بود که خانمش در خدمت زنان و کودکان افغان قرار خواهد داشت. اینهمه نخست از سوی خود رولا غنی رد شد، مادامیکه وی به صراحت بیان داشت که "در سیاست مداخله نخواهد کرد". شاید در بادی امر چنین تعبیر آورند که منظورش این بوده که از صلاحیت اجرائی شوهرش که "رئیس جمهور" کشور است استفاده نخواهد کرد

و در امور مداخله نخواهد نمود." این تعبیر کاملا درست نیست، مادامیکه می بینیم که میلیون ها دالر در اختیار وی قرار گرفته است و وی تحت نام حمایت از "زنان" آن پولها را در خدمت کشاندن شماری از زنان به ورطه تسلیم طلبی و انقیاد ملی استفاده نموده در خدمت تحکیم منافع استراتژیک استعمارگران اشغالگر قرار داده است. پس منظور اصلی وی از "عدم مداخله در سیاست" چیست؟ وی با این جملهء خویش در حقیقت زنان افغان را به "خویشتن داری" فراخوانده و گفته است که نباید به سیاست بیاندیشند، و اوضاع "همان خرک همان درک" را پذیرا شوند. این فراخوان لورا غنی، به معنای تحکیم پایه های مردسالاری در جامعه است. جهت تایید این تفسیر، بیابید از قول خود لورا غنی بخوانیم:

"تصمیمی برای تغییر ساختمان اجتماعی ندارم، بلکه می خواهم نقش تسهیل کننده ای برای تشویق زنان افغان به منظور اقدام آنان برای امیال و آرزوهای سازنده شان، داشته باشم. در حقیقت هدف من این نیست که تحولات زیاد در حیات زنان کشور وارد نمایم، بلکه در همان حلقهء خانواده، کوشش شود که آنها به امتیازات قانونی خود نایل گردند." (گران افغانستان، 2014 ،



وقتی که خود لورا غنی به صراحت اعلام میدارد که علاقه ای به وارد نمودن "تحولات زیاد در حیات زنان کشور" نیست، و وقتی که بیشرفانه اعلام میدارد که زنان در همان "حلقهء خانواده" محصور باشند و در آن "حلقه" به "امتیازات قانونی" خود نایل شوند، این دیگر کمال شرف باختگی است که چون اوپی را به حیث مدافع حقوق زنان افغانستان در خورد رسانه ها بدهند. این شرف باختگی از سوی رسانه های خود فروخته و سرکاری وابسته به اشغالگران و رژیم پوشالی دامن زده شده است. تنها بقایای وطن

فروشان "خلقى-پرچمى" و هم قماشان غرب زده ء "راوايى" شان اند که برای بیانات رذیلانه ء رولا غنى کف زده و از آن به مثابه ء "فرصتى" برای زنان افغان استقبال میکنند! هیچ زن آگاه و مبارز افغانستان سخنان ضد زن رولا غنى را تایید نمیکند بل قویا در برابر این سخنان ضد فمینیستى وی قرار میگیرد. برای آنکه معنای این "عدم مداخله در سیاست" از سوی رولا غنى را دریابیم، بیابید از قول همسر شیاد اش یعنی شاه شجاع چهارم بخوانیم:

"در حکومت جدید، دفتر بانوی اول به زودی گشایش خواهد یافت" (بى بى گل بانوی اول افغانستان, 1393)

پس این کسی که مدعى است که در "سیاست مداخله نخواهد کرد" در این دفتری که گشایش یافت و دامنه ء آن به ولایات کشور کشانیده شد، چى متاعى را عرضه میکند؟ نیازی به تعمق بیشتر و تفکر پردامنه برای یافتن پاسخ نیست! پاسخ را خود رولا غنى داده است:

"حقیقت هدف من این نیست که تحولات زیاد در حیاى زنان کشور وارد نمایم، بلکه در همان حلقه خانواده، کوشش شود که آنها به امتیازات قانونی خود نایل گردند"

تحکیم بیشتر بنیان های یاتریارکال و حفظ هژمونى ارزش های فنودالى رسالت تاریخی رولاغنى است!
در این راستا "کاکا سام" در پایش دالر مى ریزد و وی این "کنج باد آورده" را برای خریدن وجدان های سیاست مداران انجویى از میان زنان و مردان، از قماش "خلقى-پرچمى" های وطن فروش، راوايى های کاسه لیس امثال رونالد ریگان و جورج بوش و بارک اوباما به مصرف خواهد رسانید. کم نیستند شمار زنان وجدان باخته و به پستی گراییده از قماش سیلی غفار ها (سخنگوی حزب همبستگی افغانستان که در بن دوم طوق غلامى به اشغالگران را بی شرفانه در گردن آویخت) که مشاطه گرانه میخواهند در چهار جوب رژیم پوشالی از خوان اشغال و خیانت برای زنان افغانستان "حقوق" و "امتیازات" توقع کنند! باشد که زنان افغانستان "در همان حلقه ء خانواده" به "امتیازات قانونی" خود

نایل گردند! رسالت زنان مبارز، آگاه و انقلابی است که به دهان کثیف این هم-کیشان ارتجاع و مزدوران سرمایه کوبیده و از شرافت زنان کشور به دفاع برخیزند. اگر امثال مژده جمال زاده در مقابل رئیس جمهوری امریکا، همانی که مردمش و سرزمینش را به بند کشیده است، میرقصد، امثال سیلی غفار و ملالی جویا، در عرصه سیاست، با تسلیم طلبی و مزدوری به امپریالیسم، همان رقص را میکنند. در عراق به دهان بوش با بوت کوفتند. اما در افغانستان، "روشنفکران" بازاری و احزاب سرکاری از قبیل

بقایای وطن فروشان "خلقی-پرچی" و حزب همبستگی به ساز اشغالگران امریکایی-شرکا می رقصند و از "فرصت" ها برای "تنویر" مردم استفاده میکنند!!! گوشه هایی از عمق فاجعه و مفهوم این "تنویر اذهان" و "استفاده از فرصت" ها-شعار تسلیم طلبانه و مرتدانه ء سازمان رهایی و دنبالچه هایش-را زمانی میتوانیم به وضوح مشاهده کنیم که می بینیم که به گواهی آمار رسمی و اقرار پوشالیان مدافع "حقوق بشر"، طی سال روان، خشونت علیه زنان نسبت به سال گذشته افزایش **60%** داشته است!:

فوزیه نوابی، مسوول بخش جندر کمیسیون حقوق بشر در شمال گفته است که آمار خشونت برضد زنان نسبت به سال گذشته، شصت درصد افزایش یافته است. (افزایش شصت درصدی خشونت علیه زنان)

این آمار افزایش گراف خشونت در ولایات شمالی را دربر میگیرد. زنان در ولایات جنوب کشور به مراتب بیش از ولایات شمالی مواجه به خشونت اند. به این ترتیب می بینیم که **افغانستان بوسیله اشغالگران و سگان رژیم، خادی، جهادی، طالبی، داعشی، و سایر پوشالیان مزدور امپریالیسم به جهنمی از برای زنان مبدل گردیده است. در این جهنم، امثال سیلی غفار و ملالی جويا می آیند و در دفاع از "دموکراسی در جهنم" نطق میکنند. به این ترتیب می بینیم که اینها رسالت دموکراتیک نمایی فضای دوزخی خون و خیانت مسلط بر کشور اشغال شده ء ما را به عهده گرفته اند.**



در سال 1392 خورشیدی، بر طبق بیانات یکی از زینت المجالس در هرات، آمار خشونت علیه زن در آن ولایت به نسبت سال قبل 40 درصد افزایش را نشان میداد. (خبرگزاری افغان ایرکا، 1392) به این ترتیب و با مقایسه با بلند رفتن گراف خشونت علیه زنان طی سال جاری می بینیم که با گذشت هر سال از دوام وضعیت مستعمره و اشغال شده گی در مملکت، خشونت علیه زنان نیز مستقیماً متناسب به آن افزایش یافته است. از اینجا این سنتز صحیح به دست می آید که رهایی زنان از چنگال خشونت ها، مستقیماً وابسته به قطع دستان اشغالگر از افغانستان و رهایی زنان افغانستان از دام اشغال و استعمار است. نوکران وطنی اشغالگران یعنی جهادی ها، طالبان، و سایر بنیادگرایان همراه با بقایای وطن فروشان "خلقی-پرچمی" و جواسیس امپریالیسم غرب نظیر راوایی ها و هم قماشان شان، با شکست لشکر اشغالگر و استعماری، به گورستان تاریخ روانه خواهند شد. لحاظاً باید گفت که بدون شکست ارتجاع، رهایی از چنگال مزدورانش نیز متصور نیست. به همین ترتیب، بدون مبارزه جدی و افشاگرانه علیه جواسیس و مزدوران استعمار، نمی توان خلق ها را علیه اشغالگران بسیج نمود. زیرا که جواسیس و ایادی فکری و سیاسی اشغالگران، پیوسته به مشاطه گری رژیم پوشالی و دموکراسی دروغین و پوشالی کمر بسته اند. اکسیون هایی از قبیل [برقع پوشی مردان](#) در اعتراض به خشونت های دامنه دار و سیستماتیک علیه زنان با آنکه در حد خود برخاسته از اعتراض بر هژمونی نگره ها و حاکمیت پاتریارکال است، اما از آنجایی که در حد همان مشاطه گری های "دموکراسی" پوشالی حاکمیت شاه شجاع چهارم است، و از آنجایی که اشغالگران و مزدوران طالبی و جهادی اش را نشانه نمیگیرند، از آنجایی که موج انقیاد طلبی وطن فروشان "خلقی-پرچمی"، روایی و هم قماشان شانرا نشانه نمیگیرد، در سطح مانده، و نمی تواند سیاله های راستین و قوی جهت بسیج مدنی و سیاسی تولید کند. تنها زمانیکه سنان انتقاد متوجه علت العلل خشونت روزافزون علیه زنان یعنی وضعیت اشغالی و حاکمیت پوشالی گردد، میتوان امیدوار بود که میتوان به گونه ء صادقانه به دفاع از حقوق زنان برخاسته اند. واضح است که این امر در چوکات کار "علنی" و در چهار چوب قوانین پوشالی رژیم دست نشانده شدنی نیست. یگانه راه و مطمئن ترین مسیر جهت رسیدن به رهایی زنان همانا راه اندازی جنگ ممتد خلق است. سازمان کارگران افغانستان بارها اعلام داشته است که تنها با به پیروزی رسیدن انقلاب دموکراتیک نوین است که میتوان منادی و موجد رهایی زنان به مفهوم واقعی کلمه بود. ما در سندی قبلاً اعلام نموده بودیم که تنها جنگ خلق است که رهایی زنان را مادیت می بخشد. در کشوری که اوسط عمر زنان 44 سال یعنی

حدود 20 سال از اوسط طول عمر زنان در سطح جهان کمتر است (وبسایت وزارت امور زنان)، در کشوری که:

"زنان همچنین نباید در بالکن خانه‌های خود دیده شوند و استفاده از برقع در اماکن عمومی نیز برای آنها اجباری است. زنان در برخی مناطق این کشور حتی از تلویزیون و رادیو هم محروم هستند و همچنین فقط در مواقعی اجازه دارند به پزشک مرد مراجعه کنند که یک همراه مرد با آنها باشد." (خبرگزاری دانشجویان ایران-ایسنا، 1393)

در چنین کشوری، یعنی در جهانی که اشغالگران و پوشالیان در افغانستان بوجود آورده اند، هرگز نمی توان چشم امید به "دموکرات" بودن پوشالیان و "دموکراسی نوازی" اشغالگران داشت. حتی رژیم آخندی و ضد زن ایران که از جمله رژیم های کثیف و ناقض حقوق زنان است، به ریش زن ستیزان حاکم بر افغانستان می خندند! با آنکه میدانیم آخند های ایرانی دست کمی از امثال سیاف، ربانی و ملاعمر ندارند، اما روسیاهی آخندهای افغانی در آن است که مضاف بر زن ستیز و ضد بشر بودن، مستقیماً طوق بندگی و بردگی اشغالگران امریکایی-شرکا را بر گردن آویخته اند. افغانستان زیر یوغ اشغال، بالاترین میزان مرگ و میر مادران بر اثر ولادت در سطح جهان را نشان میدهد. در هر 100000 ولادت، 1600 تا 1900 مادر می میرند. به عباره دیگر از هر 10.5 مادر یک نفر شان جان خود را در ولادت طفل، از دست میدهد! این است ارمغان "احقاق حقوق زنان در افغانستان پس از سقوط طالبان"!!! این است دست آورد شاه شجاع های سوم و چهارم! 71% زنان حامله و 89% زنان غیر حامله مصاب کمخونی*¹ اند. رقم مصابیت زنان به توبرکلوز، سه چند شمار مردان است. میزان سواد در زنان میان 15-34 سال، با آنکه آمار رسمی غرض آلود و مبالغه آمیز می نماید، صرف 18% فیصد است. بیگاری در میان دختران گروه سنی 7-14 ساله، نسبت به پسران بیشتر است. (وبسایت وزارت امور زنان)

به این ترتیب می بینیم که تفاوتی که رژیم زاده اشغال از رژیم مزدور طالبان برای زنان دارد فقط در این است که در زمان طالبان قفس کوچک بود، و زنان در قفس "خانواده" محبوس بودند. اما، اشغالگران امریکایی-شرکا و پوشالیان مزدور شان، قفس را "بزرگ تر" ساخته اند، اما ماهیت اسارت زنان و

¹ anemia

زندگی دوزخی که بالای شان تحمیل گردیده است، دست کمی از شرایط غیرانسانی زیست زنان در زمان طالبان ندارد. سازمان کارگران افغانستان اعلام میدارد که تنها فیمینیسیم راستین، فیمینیسیم پرولتری است. در پرتو آموزش ها و متکی بر پیام های این فیمینیسیم است که زنان ستمدیده و زحمتکش کشور قادر خواهند بود که بسوی انقلاب، رستگاری و رهایی سیاسی رهسپار گردیده، و دوشادوش مردان، به اعمار جامعه و نوین کمر بسته و نوید بخش جامعه ای فارغ از ستم و استثمار گردند. تنها با به پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین است که دیگر زنان از گرسنگی، از کم خونی، از امراض مختلف ساری که بیشتر در زمینه فقر و بهداشت پایین شیوع دارند، نجات می یابند. تنها با پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین است که انواع خشونت هایی که زنان افغانستان اینک از آن در رنج اند، رخت بر بسته و زنان به رهایی واقعی رهنمون میگردند. تنها با پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و ایجاد حاکمیت دموکراتیک زحمتکشان است که زنان که نیمی از پیکراجتماع اند، به حقوق حقه و خویش دست خواهند یافت. پیام ما به زنان رنجدیده و ستمدیده و کشور ما این است که دوشادوش برادران خویش، در برابر اشغالگران و رژیم پوشالی ایستاده، و همانگونه که به جنایتکاران خادی، جهادی، تنظیمی و طالبی نه گفته اند، در برابر اشغالگران و پوشالیان رژیم "خیانت ملی" مولود وطن فروشی سردمداران شاه شجاع مشرب اش نیز نه گفته، و بساط رژیم را در نوردند. این امر در گرو مقاومت ملی، مردمی و انقلابی بر ضد اشغالگران امپریالیست است. بیرون راندن اشغالگران از خاک ما، گلیم پوشالیان "وطنی" را نیز جمع خواهد کرد! برای رهایی از چنگال دیو اشغال و استعمار، برای برچیدن بساط پوشالیان، برای اعمار جامعه و دموکراتیک و آزاد، بخاطر حصول استقلال، به خاطر رسیدن به رفاه، و برای رسیدن به یک جامعه و انسانی و برابر، باید صف آرایی کرد. باید بسوی جنگ ممتد خلق رفت. باید درفش افتخار آفرین داس و چکش را برافراشت. آنگاه است که دیگر بورژوازی "نولیبرال" و "نومحافظه کار" این مجال را نخواهند یافت که آرمانهای انقلابی ما را "ناکجا آباد گرایی و آرمانگرایی" بخوانند. آنگاه، ما کجای خویش را خواهیم یافت و به آرمانهای راستین خویش خواهیم رسید. آنگاه است که بورژوازی به زباله دان تاریخ سپرده خواهد شد.

انقلاب زنده باد!

درفش فمینیسم پرولتری برافراشته باد!

8 مارچ 2015 میلادی

سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)

Works Cited

- (بدون تاریخ). بازیابی در 12 17, 1393، از ویسایت وزارت امور زنان :
<http://mowa.gov.af/Content/files/%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84%20%D8%A7%D9%88%D8%B6%D8%A7%D8%B9.pdf>
- (1392, 20 دلو). بازیابی در 12 17, 1393، از خیرگذاری افغان ایرکا:
<http://www.afghanirca.com/newsIn.php?id=18231>
- (1393, 6 جدی). بازیابی در 12 17, 1393، از سایت دوستی امریکا و افغانستان:
<http://afghanusadoosti.com/fa/america-and-afghanistan-news/%D8%B5%D8%A8%D8%AD%D8%B1%D9%86%DA%AF-%D8%AF%D8%B1-7-%D9%85%D8%A7%D9%87-%D8%A7%D8%AE%DB%8C%D8%B1-3017-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D8%AE%D8%B4%D9%88%D9%86%D8%AA-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87-%D8%B2%D9%86>
- (1393, 12 16). بازیابی در 12 17, 1393، از خبرگزاری دانشجویان ایران-ایسنا:
[http://khorasan.isna.ir/Default.aspx?NSID=5](http://khorasan.isna.ir/Default.aspx?NSID=5&NID=74860&SSLID=46)
- گران افغانستان (2014, october 28). Retrieved 3 8, 2015, from <http://www.graanafghanistan.com/?p=134388>
- افزایش شصت درصدی خشونت علیه زنان. (بدون تاریخ). بازیابی از 1 TV NEWS:
<http://1tvnews.af/fa/news/afghanistan/15292-2015-02-15-01-12-09>
- بی بی گل بانوی اول افغانستان. (1393, 7 7). بازیابی در 12 12, 1393، از شبکه اطلاع رسانی افغانستان:
<http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=80567>